



ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق از پیشتران علم حدیث و از مردان نامی جهان اسلام در سال 305 ه.ق چون ستاره ای در آسمان روایت و فقاقت در شهر مقدس قم طلوع کرد. ولادت این عالم فقیه با آغاز نیابت حسین بن روح سومین نائب خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) هم زمان بوده است. پدر بزرگوار شیخ صدوق علی بن الحسین بن بابویه قمی، از فقهای بزرگ اسلام و در زمان امام حسن عسگری (ع) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) می زیسته و مورد احترام آن امامان بوده است. در نامه ای که امام حسن عسگری (ع) به علی بن بابویه نوشته وی را با کلماتی چون: شیخ معتمد و فقیه من خطاب کرده است. پدر شیخ صدوق در قم بدنیا آمد و زندگی را آنجا گذراند و در همان شهر نیز وفات کرده است. پدر شیخ صدوق در ایام زندگی پر برکت خویش نزدیک دوپست جلد کتاب تألیف کرده است.

دعای ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه):

عمر با برکت علی بن بابویه پدر شیخ صدوق از پنجاه می گذشت و هنوز فرزندی نداشت و بسیار دوست می داشت که خداوند به او فرزند صالحی عنایت کند، از این رو به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) متوسل شده طی نامه ای به وسیله حسین بن روح که یکی از نمایندگان خاص امام زمان بود تقاضای دعا کرد تا آن حضرت از خداوند، فرزند صالحی برای او بخواهد. ولی عصر (عج) دعا کرده و برای ابن بابویه نوشتند: «برای تو از خداوند خواستیم دو پسر روزیت شود که اهل خیر و برکت باشند.» پس از دعای امام زمان بود که ابن بابویه صاحب فرزندی شد که نامش را محمد نامید و بعدها عالمی بزرگ و فقیه ای نام آور شد. او همان شیخ صدوق است. دوران کودکی:

شیخ صدوق دوران کودکی و آغاز جوانی را در دامان علم و فضیلت و تقوای پدر بزرگوارش علی بن بابویه سپری کرد. صدوق در محضر پدر، علوم و معارف را همراه با تربیت های عملی و اخلاقی فرا گرفت. پدری که در اوج علم و فقاقت و شهرت، زندگی خود و فرزندانش را از راه مغازه ای کوچک در بازار قم و در نهایت زهد و قناعت می گذرانید. شیخ صدوق بیش از بیست سال از دوران پر برکت حیات پدر را درک کرد و در سن 22 یا 23 سالگی بود که دست روزگار دامان پر مهر محبت پدر را از او گرفت!

نیوگ ذاتی:

خانواده اصیل و اهل علم شیخ صدوق و پرورش یافتن در دامان پدری فقیه و وارسته از یک سو، و نیزهوشی، ذکاوت، حافظه فوق العاده قوی و استعداد ذاتی او از سوی دیگر موجب گردید در مدتی کوتاه به قله های بلندی از کمالات انسانی دست یابد و در کمتر از بیست سالگی هزاران حدیث و روایت با روایان آن ها را به حافظه بسپارد. استاد صدوق محمد بن علی الاسود درباره حافظه و اشتیاق وافر شیخ صدوق به آموختن می فرمود: «این میل و اشتیاق به علم و دانش که در صدوق وجود دارد مایه شگفتی نیست زیرا او به دعای امام زمان متولد شده است.» خود شیخ صدوق بارها می فرمود: «من به دعای صاحب الامر متولد شده ام».

استادان شیخ صدوق:

شاید بتوان گفت یکی از عوامل مؤثر در موفقیت صدوق استادان بسیار زیادی است که دیده و از خرمن علوم آن ها خوشه ها برگرفته است. او ابتدا از محضر پدر خود علی بن بابویه درس آموخت و افزون بر آن در مجالس و محافل درسی بزرگان علم و ادب حاضر می شد، به گونه ای که بعضی از علما گفته اند: تعداد استادان صدوق از دوپست نفر متجاوز است. از جمله بزرگانی که صدوق از محضر آنها بهره برده می توان به ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی نویسنده متاب گرانمایه اصول کافی اشاره کرد. کلینی و صدوق:

پس از مرحوم کلینی نویسنده کتاب ارزشمند اصول کافی، صدوق از بزرگترین محدثان عصر خود به شمار می آید که علاوه بر ضبط و نقل حدیث، در علوم دیگر نیز تبحر داشته و تألیفات بسیاری از خود به جای گذاشته است. صدوق سالها از محضر کلینی استفاده نموده و به شنیدن و جمع آوری احادیث ائمه (ع) مشغول بوده است؛ اما بر خلاف شخصیت علمی کلینی که بیشتر از جهت جمع آوری، بررسی و نقل حدیث مشهور است، شیخ صدوق در سه زمینه روایت، مباحث کلام و فقه برجسته و ممتاز بوده است.

شاگردان شیخ صدوق:

صدوق، به خوبی دریافته بود که بهترین شیوه برای حفظ و حراست از سخنان پیشوایان دین که در هر زمان ممکن است مورد تعرض و دستبرد قرار گیرد، انتقال به سینه دلسوختگان مکتب اهل بیت می باشد؛ از همین رو با پرورش شاگردان و طالبان دانش، به نگهداری و صیانت از این میراث گران بها پرداخت. از میان مهم ترین شاگردان وی می توان به دانشمند بلند آوازه، محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید نام برد که خدمات بسیاری به جهان اسلام ارائه کرد، و آثار به جای مانده از وی حکایت از وسعت معلومات او دارد.

آثار شیخ صدوق:

شیخ صدوق این عالم بزرگ و محدث گران قدر تألیفات با ارزش بسیاری از خود به جا گذاشت. شیخ طوسی در این باره می نویسد: «او سیصد کتاب تألیف کرده است» کتاب های شیخ صدوق همه در نهایت نیکویی و استحکام و در زمینه های متنوعی نوشته شده اند، که این خود نشانگر قدرت علمی و آشنایی گسترده او با علوم اسلامی است. برخی از مهمترین آثار ایشان عبارتند از:

1- من لا یحضره الفقیه (دومین کتاب از چهار کتاب روایی معتبر شیعه در زمینه احکام الهی و فقه)

2- علل الشرایع (درباره فلسفه احکام و علت تشریح آن ها است)

3- کمال الدین و تمام النعمه (درباره اثبات وجود امام زمان و غیبت طولانی آن حضرت از نظر عقلی و نقلی)

ابتكارات علمي:

فقها و بزرگان مسلمان، شيخ صدوق را بيشتر با لقب رئيس المحدثين شناخته اند؛ زيرا او در شناخت احاديث، آگاه و در حفظ منابع و جمع آوري آن ها تلاش فراوان مي کرده است. شيخ صدوق احاديث را به تناسب موضوعات مختلف دسته بندي و براي هر موضوع، باب جداگانه اي باز مي کرد، مانند كتاب من لايحضره الفقيه يا عيون اخبار الرضا يا كتاب هاي ديگر صدوق که وي در هر يك از آن ها طبق اختلاف موضوعات و مزایا، باب هاي جداگانه اي گشوده است.

چهار كتاب معتبر شيعه:

براي آشنايي با اسلام ناب محمدي (ص) و شناخت حقايق قرآن ناگزير به شناخت سنت پيامبر (ص) و اخبار و احاديث امامان معصوم هستيم، از سويي نيز وجود دروغگويان و حديث سازان و درهم آميختگي احاديث صحيح و جعلی، اين شناخت دقيق را براي مردم مشکل مي سازد؛ از اين رو سه تن از بزرگان شيعه، كمر همت بسته و اقدام به جمع آوري و نوشتن چهار كتاب روايي ارزشمند کردند. اين كتاب ها معروف به «كتب اربعة» و مؤلفان آن ها را «محمد بن ثلاث» مي نامند؛ زيرا اسامي هر سه محمد و كنيه هر سه ابو جعفر بوده است.

1- اصول كافي، تأليف ابو جعفر محمد بن يعقوب كليني، داراي 16199 حديث؛

2- من لايحضره الفقيه تأليف ابوجعفر محمد بن علي بن بابويه قمي ملقب به شيخ صدوق شامل 5963 حديث؛

3- تهذيب، تأليف ابوجعفر محمد بن الحسن معروف به شيخ طوسي داراي 13590 حديث و استبصار که اين كتاب نيز تأليف شيخ طوسي است و 5511 حديث دارد.

عصر حديث:

عصر صدوق را بايد عصر حديث ناميد دوره اي که با حرکت علمي كليني آغاز و با تلاش هاي پيگير و بي وقفه صدوق ادامه يافت. شيخ كليني با اين حرکت علمي جديد، مکتب حديث نگاري اهل بيت (ع) را آغاز کرد و ديگران از جمله شيخ صدوق بناي مستحکم ضبط و نشر حديث را بر آن بنيان نهادند. صدوق براي ادامه راهي که كليني در آن قدم نهاده بود سفرهاي علمي بسياري انجام داد و کوشش هاي بي شماری کرد.

صداقت در گفتار و روايت:

از مسائلي که در علم رجال و شناخت راويان حديث مطرح و سبب پذيرش حديث محدثان مي شود تصريح دانشمندان اين رشته علمي به اطمينان و صداقت راوي است. عالمان ديني چنان اعتمادي بر شيخ صدوق داشته اند که تعبير به اين که ايشان مورد اطمينان است توهين به او گفته اند. شيخ صدوق را صدوق ناميده اند زيرا در نقل حديث از ائمه (ع) خصوصاً امام صادق و امام باقر (ع) از راه صواب خارج نشده و در فهم آنها به خطا نرفته است.

در كتب فقه و حديث شيخ صدوق و پدر بزرگوار ايشان علي بن بابويه را صدوقين مي گویند اما هرگاه شيخ صدوق گفته مي شود منظور پسر محمد بن علي بن بابويه است نه پدر.

شيخ صدوق و غيبت صغري:

يکي از رويدادهای بسيار مهم سياسي و اجتماعي زمان شيخ صدوق که آثار و عواقب آن دامن گير بشریت گردید، قطع رابطه ظاهري امت اسلام با امام مسلمانان و فاصله افتادن بين مردم و رهبر معصومشان بود. پس از شهادت امام حسن عسکري در سال 260 ه. غيبت صغري امام زمان (عجل الله تعالي فرجه) آغاز گشت و تا سال 329 ه. ادامه داشت در طی اين مدت افرادی بين آن حضرت و مردم به عنوان نائبان خاص رابطان امام با مردم بودند. نواب امام در طول غيبت صغري چهار نفر بودند که از سوي امام عصر (عجل الله تعالي فرجه) به اين سمت منصوب مي شدند. شيخ صدوق در اوائل نيابت سومين نائب، حسين بن روح در حدود سال 305 دیده به جهان گشود؛ بنا براین تا سن 23 سالگي در زمان غيبت صغري مي زيسته و دوران نيابت 2 نفر از نواب خاص امام زمان را درک کرده است که اين خود از عوامل بسيار موثر در پيشرفت و تکامل علمي و خصوصاً معنوي صدوق بوده و توانسته خود را به بلندترين قله هاي نوراني علم و معنويت برساند.

شيخ صدوق از دیدگاه علما و بزرگان:

همه علما و فقها بزرگ اسلام با دیده احترام و تعظيم به شيخ صدوق نگريسته اند. عدالت او را تأييد کرده و مقام شامخ او را با عباراتي بلند تصديق کرده اند. از آن جمله شيخ طوسي در كتاب الفهرست مي نويسد: «شيخ صدوق دانشمندی جليل القدر و حافظ احاديث بود و در علماء قم از نظر حفظ احاديث و کثرت معلومات مانندي نداشت.»

سيد بن طاووس مي فرمايد: «شيخ صدوق کسي است که همه بر علم و عدالت او اتفاق نظر دارند و علامه مجلسي در توصيف صدوق مي فرمايد: «شيخ صدوق از بزرگترين علمای گذشته است.»

هجرت به شهر ري:

شيخ صدوق از کساني است که براي جمع آوري احاديث امامان معصوم (ع) به مسافرت هاي بسيار رفته است در اين سفرها از استادان بزرگي استفاده کرده و خود نيز به تدریس و بحث مي پرداخته است. صدوق برخي از کتاب هاي خود را در اين سفرها تأليف کرده است. از جمله سفرهاي شيخ صدوق سفر به شهرهاي بخارا، نيشابور، طوس، اصفهان و بغداد بوده است.

صدوق سرانجام به دعوت صاحب بن عباد نخست وزير دولت آل بويه در زمان رکن الدوله ديلمی و مردم شهر ري، به آن شهر آمده، تشکيل حوزه و کلاس درس داد و به تدریس فقه و احاديث اهل بيت (ع) مشغول گردید.

وفات شيخ صدوق:

سرانجام شيخ صدوق اين عالم بزرگوار پس از گذشت هفتاد و چند سال از عمر شريف و پر برکتش در سال 1381 ه. ق دعوت حق را لبیک گفت و در شهر ري دیده از جهان فرو بست. پيکر پاکش در ميان غم و اندوه مردمان در نزديکي مرقد مطهر حضرت عبدالعظيم مدفون گردید.

امروزه آرامگاهش به نام ابن بابويه در شهر ري مشهور و قبر منورش زيارتگاه مسلمانان و محل استجابت دعاي مؤمنان است.

کرامتي از شيخ صدوق پي از نهضت سال:

در عهد حکومت فتحعلي شاه قاجار در حدود سال 1238 ه. مرقد شريف صدوق که در اراضي ري قرار دارد به دليل بارندگي هاي زياد خراب شده و رخنه اي در آن پيدا مي شود، براي تعمير مرقد اطرافش را مي کنند تا به سردابي که مدفن شيخ صدوق بود برخورد مي کنند ناگهان بدن شريف صدوق را کاملاً سالم آنچنان که گویا تازه از

حمام آمده باشد مشاهده می کنند و اثر خضاب را در انگشتان شریفش می بینند. 20 نفر از بزرگانی که خود شاهد این کرامت بوده اند می توان به میرزا ابوالحسن جلوه، حضرت آیت الله ملا محمد رستم آبادی و مرحوم والد حضرت آیت الله مرعشی نجفی حاج سید محمود مرعشی نام برد. آری این چنین است سرانجام عاشقان و دلدادگان کوی حضرت دوست که که مس وجود خود را با کیمیای محبت او به طلا مبدل ساختند. روحش شاد، یادش گرامی و راهش پررهرو.